



راس تمدن سازی عقلانیت اسلامی است/ حکمت اسلامی مبنای پیشرفت حکیمانه است

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در دومین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت گفت: راس تمدن سازی عقلانیت اسلامی است...

کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

راس تمدن سازی عقلانیت اسلامی است/ حکمت اسلامی مبنای پیشرفت حکیمانه است

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در دومین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت گفت: راس تمدن سازی عقلانیت اسلامی است تا بعد از آن حکومت اسلامی محقق شود و ما به صورت نسبی این دو را پشت سر گذاشته ایم. بعد از این نوبت به حکمت اسلامی می رسد که هم به حکمت علوم می پردازد و حکمت اسلامی مبنایی برای پیشرفت حکیمانه می شود. به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در دومین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت که روز چهارشنبه 18 اردیبهشت در کتابخانه ملی برگزار شد به تبیین نقش الگوی حکمی- اجتهادی در پیشرفت اسلامی پرداخت و گفت: الگوی حکمی- اجتهادی یکی از دیدگاه های انسانی سازی علوم اسلامی است که از پرتوی حکمت خودی (حکمت نوین اسلامی) به فلسفه های مضاف به امور راه پیدا می کند و مبانی حکمی علوم انسانی را به ویژه در توصیف انسان مطلوب و نقش آن در توصیف انسان تحقق یافته و تغییر آن به انسان مطلوب تبیین کرده است.

وی تاکید کرد: روش اجتهادی نیز در حرف ساحت علوم انسانی نقش آفرین است. مقوله پیشرفت نیز به سه ساحت پیشرفت محقق و تغییر آن به پیشرفت مطلوب نظر دارد و الگوی حکمی- اجتهادی می تواند برای هر سه ساحت پیشرفت با رویکرد اسلامی، روش مناسبی باشد.

وی به فرآیند تمدن سازی اسلامی اشاره کرد و گفت: در راس تمدن سازی عقلانیت اسلامی است تا بعد از آن حکومت اسلامی محقق شود و ما به صورت نسبی این دو را پشت سر گذاشته ایم. بعد از این نوبت به حکمت اسلامی می رسد که هم به حکمت علوم می پردازد و حکمت اسلامی مبنایی برای پیشرفت حکیمانه می شود. پیشرفت حکیمانه را من به تغییر تدریجی تکاملی کوثری دارای ابعاد مختلف مادی و معنوی و فردی و اجتماعی ترجمه کرده ام که این پیشرفت حکیمانه دارای دو مولفه مهم علم و نهادها می باشد.

حجت الاسلام خسروپناه تاکید کرد: در بحث علمی دینی من به الگوی حکمی- اجتهادی معتقدم برای اینکه بتوانیم علوم را اسلامی کنیم- درست است که همه علوم مبتنی بر یکسری مبانی است- برای هر دسته از علوم باید یک الگو تهیه شود لذا برای علوم رفتاری- اجتماعی، الگوی حکمی- اجتهادی را داده ایم. این الگو نشان می دهد حکمت های هستی و انسان مبنا قرار دارد و چهار کار مهم در این الگو مورد توجه است؛ یکی توصیف انسان مطلوب، دوم توصیف انسان محقق، سوم نقد انسان محقق و چهارم تغییر انسان محقق و مطلوب است.

وی یادآور شد: در بحث های اسلامی سازی علوم بویژه علوم انسانی گفته می شود که مبانی اسلامی، علوم را اسلامی می کند و این بحثی است که به نظرم امروز باید از آن عبور کنیم و آنچه در آن خلا داریم این است که چگونه بر الگو تاثیر می گذارد و مبانی آن چیست؟ من در الگوی حکمی- اجتهادی نشان داده ام در هر یک از ارکان چهارگانه علوم رفتاری- اجتماعی چه ساحتی حاکم است تا در این ساحت های چهارگانه علوم، اسلامی شود.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران افزود: برای روش اجتهادی سه کاربرد در نظر گرفته ام و من عرضه اصول مستخرج از قرآن و تطبیق آن با فروع، دوم پرسش های مستخرج از جامعه را بر قرآن و سنت عرضه کنیم و سومین کارکرد اجتهاد این است که وقتی می خواهیم انسان محقق را بشناسیم، ببینیم قرآن چه پرسش هایی از این انسان محقق دارد.

وی با بیان اینکه در نقد عرفان محقق روش استدلال اجتهادی را پیش گرفته ام، افزود: دو شیوه برای تغییر انسان محقق و انسان مطلوب داریم، یکی توصیه های علمی و دوم توصیه های مکتبی و عرفانی و فقهی که هر یک روش شناسی خود را داراست.

حجت الاسلام خسروپناه در پایان تاکید کرد: در بحث پیشرفت چهار مساله مورد توجه قرار می گیرد؛ اول توصیف پیشرفت حکیمانه، دوم توسعه مدرن ایرانی که الان سال هاست یک مدلی به عنوان توسعه مدرن ایرانی در جامعه ما اجرا می شود که با همه نقایص و امتیازاتش باید آن را بشناسیم و نقد کنیم و در گام بعد این توسعه مدرن را به پیشرفت حکیمانه تغییر دهیم. در توسعه پیشرفت حکیمانه روش حکمی- اجتهادی مورد توجه است و در توسعه مدرن ایرانی نیز روش اجتهادی- تجربی مورد توجه قرار می گیرد.

به گزارش مهر، در ادامه این نشست حجت الاسلام دکتر سید محمدمهدی میرباقری رئیس فرهنگستان علوم اسلامی نیز طی سخنانی به بحث #171؛دستگاه واره الگوی پیشرفت؛ دینی یا فلسفی؟ انسجامی یا تالیفی؟" پرداخت و گفت: دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت غیر از اینکه نیازمند نرم افزار دستیابی به این الگو است، تحقق بستر اجتماعی را نیز می طلبد که با وقوع انقلاب اسلامی فراهم شده است.

وی در ادامه تصریح کرد: از پرسش های بنیادی نرم افزار تولید الگوی پیشرفت، این است که چه لایحه های مفهومی باید در مبانی پیشینه توسعه تولید شود تا بتوان مبانی الگوی پیشرفت را تبیین کرد. برای پاسخ به این مسئله دو نگاه کلان وجود دارد در نگاه اول بنیان های علمی الگوی پیشرفت، مبتنی بر فلسفه نظر و عمل انسانی است، یعنی فلسفه، ایده ها و مفاهیم فرادستی الگوی پیشرفت را تامین می کند از سوی دیگر از منطق حیثی نگری برای ارتباط این مبانی با الگوی پیشرفت استفاده می شود و از آنجا که نتیجه نگاه حیثی در طبقه بندی علوم، قطع رابطه علوم و پیدایش دانش های تالیفی است در اینجا هم مبانی فلسفی به شکل تالیفی به الگوی پیشرفت ارتباط می یابد.

حجت الاسلام میرباقری در پایان تاکید کرد: نگاه کلان دوم این است که اولاً مبانی و غایات الگوی پیشرفت، از حکمت دینی نظری و عملی(فقه دین) ناشی می شود؛ نه از فلسفه. ثانیاً این مبانی باید به دست منطق فرآوری اسلامی که مفاهیم را نظام واره و بعدی(نه حیثی) می بیند، فرآوری شود و تنزل و تنازل یابد و به تعبیری این مفاهیم را صرف و تکتیر کند و به دانش ها برساند. این منطق، ابزار جریان مبانی حکمی در الگوی پیشرفت اسلامی است.